

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

نقش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حفظ محیط زیست بین المللی

استاد راهنما:

دکتر محسن عبدالهی

استاد مشاور:

دکتر سید قاسم زمانی

نگارنده:

معصومه مزیدی

مهرماه ۱۳۹۱

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم که در تمامی مراحل زندگی همراه و پشتیبان من بودند

با تشکر فراوان از

اساتید محترم:

دکتر محسن عبدالهی ، دکتر سید قاسم زمانی

که مرا در انجام این پایان نامه بسیار یاری کردند.

چکیده

مفهوم اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حقوق بین الملل مفهوم جدیدی است . این اصل رسماً در اعلامیه ریودوژانیرو محیط زیست و توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۲ برای هماهنگی در نقطه نظرات مختلف کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه در خصوص اهمیت رعایت مسائل زیست محیطی در سیاست های اقتصادی شکل گرفته است . تا به امروز در معاهدات متعدد محیط زیستی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها به اشکال مختلف ظاهر شده است .

هرچند این اصل در ابتدا ممکن است ساده به نظر برسد اما کاربرد عملی آن به لحاظ عدم پذیرش توسط برخی کشورهای توسعه یافته به خاطر تعهدی که بر عهده آن ها می گذارد ، آسان نیست .

در این پایان نامه آن چه در ابتدا مورد بررسی قرار می گیرد نقش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حفظ محیط زیست بین المللی است و در پایان تاثیر این اصل در تحقق حاکمیت قانون در جامعه بین المللی می باشد

واژگان کلیدی : اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها، محیط زیست بین المللی ، کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه

" فهرست مطالب "

مقدمه	۵
فصل اول - چيستی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها	۹
گفتار اول - اصل برابری دولت ها و حفظ محیط زیست بین المللی	۱۰
الف- تاثیر متفاوت کشورهای شمال و جنوب در آلودگی محیط زیست بین المللی	۱۳
ب- الگوی سنتی برابری دولت ها در پذیرش و اجرای تعهدات بین المللی	۱۶
ج- اثر اصل تساوی حاکمیت دولت ها در برابری تعهدات	۱۷
گفتار دوم- الگوی جدید در حفاظت از محیط زیست : اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها	۱۹
الف- مفهوم اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها	۲۰
۱- مسئولیت مشترک	۲۰
۱-۱- اصل نگرانی مشترک بشریت (منفعت مشترک بشریت)	۲۳
۲-۱- اصل میراث مشترک بشریت	۲۴
۳-۱- اصل همکاری بین المللی	۲۷
۲- مفهوم مسئولیت متفاوت	۲۹

- ب- مبانی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها ۳۳
- ج- کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و کم تر توسعه یافته ۳۵
- ۱- خصوصیات کشورهای در حال توسعه ۳۶
- (۱) فقر عمومی ۳۶
- (۲) کشاورزی به مثابه مهم ترین بخش ایجاد اشتغال ۳۷
- (۳) دوگانگی اقتصادی : ۳۷
- (۴) منابع طبیعی توسعه نیافته ۳۸
- (۵) خصوصیات دموگرافیک ۳۸
- (۶) بیکاری آشکار و بیکاری پنهان ۳۸
- (۷) عقب ماندگی اقتصادی ۳۹
- (۸) فقدان قوه خلاقیت ۳۹
- (۹) عقب ماندگی تکنولوژیکی ۴۰
- (۱۰) وابستگی به تجارت خارجی ۴۰
- د- توسعه پایدار ۴۱
- گفتار سوم- درنگی تاریخی در پیدایش و تکامل اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها ۴۳

الف-چگونگی شکل گیری مفهوم مسئولیت مشترک و مسئولیت متفاوت ۴۳

ب-ظهور اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها..... ۴۸

فصل دوم- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها و تحقق حاکمیت قانون در جامعه بین المللی

..... ۵۲

گفتار اول-نقش شکلی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در روند مذاکرات و انعقاد

کنوانسیون های بین المللی ۵۳

الف-نقش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در تشویق کشورها به ورود به مذاکرات

یک معاهده..... ۵۳

ب-اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها و توسعه مذاکرات..... ۵۶

گفتار دوم- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست

..... ۵۷

الف- ایجاد استانداردهای متفاوت ها به نفع کشورهای در حال توسعه ۵۸

ب-کمک به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه..... ۶۱

۱-کمک به اجرای کنوانسیون های بین المللی ۶۳

۲-وضع مقررات برای کمک به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه..... ۶۶

ج - تغییر الگوهای تولید و مصرف و ارتباط آن با اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها .. ۶۹

گفتار سوم-جایگاه اصل در حقوق بین الملل محیط زیست ۷۱

الف- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در معاهدات محیط زیستی ۷۱

ب- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در رویه کشورها ۸۵

نتیجه گیری ۸۹

فهرست منابع و مآخذ ۹۶

امروزه محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت مورد توجه قرار گرفته است و مشکلات آن به یکی از عمده ترین نگرانی های جهانی تبدیل شده است. این معضل خود را در قالب معاهداتی هم چون معاهده تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد^۱، پروتکل کیوتو^۲ و اسناد محیط زیستی متعدد دیگری نشان می دهد. نظام اقتصاد جهانی در شکل خاص خود محیط زیست جهانی را تهدید می کند. با وجود این که اقدامات مهمی در کاهش آلودگی صنعتی انجام شده است. اما کماکان فعالیت های صنعتی در حال ویران کردن زیست بوم طبیعی، سرعت بخشیدن به گرم شدن کره زمین و افزایش آلودگی آب و هوا است. عوارض ناشی از افزایش فعالیت های تجارت جهانی نیز موجب شده که تکنیک های زیست محیطی کم تاثیر شوند. ما انسان ها باعث تغییر مسیر انرژی حاصل از تشعشعات خورشید و خارج شدن آن از اتمسفر زمین هستیم که این امر زنگ خطری برای محیط زیست جهان محسوب می شود. افزایش میانگین دمای سطح زمین باعث تغییر در خصوصیات آب و هوایی سرتاسر جهان خواهد شد. با تخریب جنگل ها، کربن ذخیره شده در درختان آزاد می شود، سایر فعالیت ها نظیر پرورش دام و کشاورزی نیز باعث خروج متان، دی اکسید نیتروژن و سایر گازهای گلخانه ای می شود و اگر وضع به همین شکل ادامه یابد میزان دی اکسید کربنی که وارد اتمسفر می شود در طول قرن ۲۱، دو برابر خواهد شد. گرمای جهان هر سال افزایش می یابد که منجر به دفع برخی از گازهای گلخانه ای خواهد شد. مخاطره ای که چگونگی تاثیر آن بر زندگی ما قابل پیش بینی نیست. زیرا تغییرات جوی سیستم پیچیده ای دارد. یک ویژگی اساسی مانند میانگین دمای جهانی اگر تغییر یابد پیامدهای غیر قابل پیش بینی در پی خواهد داشت. جمعیت جهان رو به رشد است و چنین امری مستقیماً به قحطی و سایر فجایع منجر شود و در هر حال اگر عواقب مشکلات زیست محیطی نامشخص باشد، آیا باید اصل مشکل را نادیده انگاشت؟ یا این که عقل حکم می کند حرکتی انجام دهیم؟ تغییرات جوی تهدیدی برای بشر محسوب می شود. هم اکنون برخی از پیامدهای تغییرات جوی تقریباً آشکار است. به عنوان مثال باران های موسمی ممکن است تغییر یابد. با افزایش سرعت تبخیر آب در سطح جهان، میزان باران نیز افزایش یابد. اما اگر سرعت تبخیر آب از حدی سریعتر گردد دیگر در فصول بارانی هم بارانی نخواهد بارید و این به معنی افزایش خشکی ها مخصوصاً در کشورهای فقیرتر خواهد بود. از سوی دیگر خشکی ها می تواند منجر به کاهش آب آشامیدنی شود و سلامتی مردم را با تهدیدی جدی روبرو سازد. به هر حال، با فقر منابع آبی در سطح جهان، فشار شدید رشد جمعیت و افزایش فعالیت های

¹ United nations Framework Convention on Climate Change (1992)

² -Kyoto protocol to the United nations Frame work Convention on Climate Change (1997)

اقتصادی، خطر واضح و مبرهن به نظر می‌رسد. به عنوان مثالی دیگر می‌توان به تغییر در زمین‌های کشاورزی و مناطق قطبی اشاره کرد که منجر به افزایش تابستان‌های گرم و خشک می‌شود و مناطق تحت کاشت و تولید غلات ممکن است شاهد بادهای گرم و خشک متناوبی باشد. هم‌چنین با ذوب یخچال‌های طبیعی و افزایش گرمای آب دریاها ممکن است سطح دریاها بالا رفته، جزایر کوچک و مناطق ساحلی کم‌سطح مورد تهدید قرار گیرد. سطح دریاها در طی قرن گذشته ۱۵ سانتی‌متر بالا رفته و انتظار می‌رود در سال ۲۰۳۰ این میزان به ۱۸ سانتی‌متر برسد و اگر روند فزاینده انتشار گازهای گلخانه‌ای به همین ترتیب ادامه یابد، پیش‌بینی می‌شود این میزان در سال ۲۱۰۰ به مرز ۶۵ سانتی‌متر برسد. آسیب‌پذیرترین زمین‌ها از سوی این عارضه مناطق ساحلی با جمعیت‌های متراکم خواهد بود، در واقع گستره‌ی این مخاطره فقیرترین کشورهای جهان مثل بنگلادش و هم‌چنین جزیره‌ای کوچک مثل مالدیو را تهدید می‌کند. بلایای طبیعی زنگ خطری است اما اطمینانی وجود ندارد که دولت‌ها بتوانند از عهده مشکلات و از پس هزینه‌ها برآیند. کشورهایمانند آمریکا و ژاپن بر آنند گازهای گلخانه‌ای پیش از آن که عواقب احتمالی آن شناخته شود، در اتمسفر بی‌کران تخلیه نمایند. به علاوه، به منظور سالم‌نگه داشتن محدوده اتمسفر از رشد و گسترش فعالیت‌های صنعتی کشورهای در حال توسعه پیشگیری خواهد شد. این‌گونه کشورها در فشارند که میزان زغال‌سنگ و نفت مصرفی خود را کاهش دهند. هم‌چنین تشویق می‌شوند تا تکنولوژی‌های مدرن را به نحوی با محیط‌سازگار نمایند که در آینده خسارت کم‌تری به آن تحمیل شود و البته خرید چنین فن‌آوری پرهزینه خواهد بود. بدین ترتیب، توسعه اقتصادی مشکل‌ساز شده است. اگر کشورهای در حال توسعه بپذیرند استفاده از سوخت‌های فسیلی را که برای صنعت مفید، کم‌هزینه و مناسب است تقلیل دهند، نمی‌توانند در روند توسعه اقتصادی پیشرفت نمایند. معاهده تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد، کشورهای توسعه‌یافته را بر آن می‌دارد که نه تنها در پرداخت هزینه‌ها شرکت کنند بلکه فناوری‌های مورد نیاز را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهند. این معاهده خاطر نشان می‌سازد کشورهای فقیرتر نیز حق توسعه اقتصادی دارند. از موارد دیگری که بر محیط زیست تاثیر منفی می‌گذارد، مصرف‌گرایی و میل زیاد مردم به مصرف کردن است. انتظارات مردم پایان نمی‌پذیرد بلکه افزایش پیدا می‌کند. کشورهای صنعتی در شمال تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده است ولی آن‌ها حدود ۸۰ درصد از منابع کره زمین را مصرف می‌کنند و همین مصرف‌گرایی را در بین سایر مردم جهان ترویج کرده‌اند ولی اگر هر نفر به اندازه فردی آمریکایی مصرف کند، باید مطمئن بود که حتی دیگر آب تمیز برای نوشیدن نیم‌بیشتری از مردم یافت نمی‌شود و تمام منابع حیاتی کره زمین پایان می‌یابد.^۳

³ - Eric A. Posner and David Weisbach, **Climate Change Justice**, (Princeton University Press, United

الف : بیان مسئله :

تهدید زیست محیطی مرز سیاسی نمی شناسد. این مشکلات موضوع مهمی را شکل داده اند و آن این که امنیت را فقط چند کشور نمی توانند برقرار کنند، همکاری بین المللی نیاز اساسی جهانی به ویژه برای حل مسائل زیست محیطی است. جامعه بین المللی در راستای ایجاد تمهیداتی برای رفع آثار زیست محیطی مذکور در ادامه کنفرانس استکهلم، کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه رادر ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل^۴ برگزار گردانید. کنفرانس ریو در ۳ ژوئن ۱۹۹۲ با حضور سران ۱۴۰ کشور جهان و بیش از ۴ هزار نفر گشایش یافت. این کنفرانس در ۱۴ ژوئن با تصویب ۳ متن غیرالزام آور به کار خود پایان داد. در این اعلامیه اصول متعددی مانند اصل پیشگیری، اصل احتیاط، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حفظ محیط زیست بین المللی و اصول دیگری مورد تصویب قرار گرفته است.

در این تحقیق در پی آن هستیم اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها را مورد بررسی قرار دهیم اصل هفتم اعلامیه مذکور در ارتباط با اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها چنین مقرر می دارد:

" دولت ها باید برای حفاظت و برقرار نمودن سلامت و جامعیت اکوسیستم زمین با روحیه ای مبنی بر مشارکت با یکدیگر همکاری نمایند. دولت ها با توجه به سهم متفاوت آن ها در کیفیت محیط زیست، دارای مسئولیت مشترک اما متفاوت می باشند، دولت های توسعه یافته، با توجه به فشار جوامع آن ها بر محیط زیست و با توجه به تکنولوژی و منابع مالی که در اختیار دارند، مسئولیتی را که تلاش جهانی برای دست یابی به توسعه پایدار متوجه آن ها می گرداند، قبول می نماید."

همان طور که در این اصل بیان شده است، حفاظت از محیط زیست، منفعت مشترک جامعه بین المللی است اما کشورهای توسعه یافته مسئولیت گسترده تر و متفاوت تری نسبت به کشورهای در حال توسعه برای تخریب محیط زیست جهانی دارا می باشند. این مسئولیت از آن جهت است که کشورهای توسعه یافته از انقلاب صنعتی تاکنون از منابع طبیعی کره زمین به واسطه ی الگوهای ناپایدار تولید و مصرف بیش از حد بهره برداری نموده اند و این امر منجر به تخریب محیط زیست جهانی به ضرر کشورهای در حال توسعه شده است.

ب : سوالات تحقیق

۱- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها چه نقشی در توسعه و تحول حقوق بین الملل محیط زیست ایفا می کند.

kingdom,2010),pp 2-4

⁴ - Rio Declaration On Environment And Development (1992)

۲- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حقوق بین الملل محیط زیست چه جایگاه و منزلتی دارد؟

ج: فرضیه تحقیق

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حفاظت از محیط زیست بین المللی به نابرابری های دولتها در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست توجه دارد. بنابراین به عنوان تکنیکی بسیار ظریف به همبستگی دولت ها برای گردهمایی جهت تصویب کنوانسیون های متعدد بین المللی زیست محیطی و در نتیجه تحقق حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست کمک شایانی کرده است.

در مورد موضوع این تحقیق یک مقاله در داخل کشور^۵ و چندین مقاله در خارج از کشور وجود داشته که تلاش شده است از آن ها به نحو احسن برای هدایت مسیر تحقیق کمک گرفته شود. لذا در این تحقیق با نگاهی کلی بر قواعد حاکم بر محیط زیست، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حفاظت از محیط زیست را مورد بررسی قرار می دهیم. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و منابع از طریق مطالعات کتابخانه ای و اینترنتی و بررسی قواعد و مقررات زیست محیطی در حقوق بین الملل به دست آمده است. از مهم ترین منابع این تحقیق، کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی هستند.

د: سازماندهی تحقیق :

این تحقیق از ۲ فصل تشکیل شده است. فصل اول را به چستی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها اختصاص دادیم. این فصل از ۳ گفتار تشکیل شده است. در گفتار اول، الگوی سنتی حفاظت از محیط زیست را مورد بررسی قرار می دهیم و در گفتار دوم، الگوی جدید در حفاظت از محیط زیست که همان اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها است را معرفی می کنیم. در گفتار سوم نیز به بررسی تاریخی پیدایش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حفاظت از محیط زیست بی المللی می پردازیم.

فصل دوم را به نقش این اصل در تحقق حاکمیت قانون در جامعه بین المللی اختصاص دادیم. این فصل نیز از ۳ گفتار تشکیل شده است. در گفتار اول به نقش شکلی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در روند مذاکرات و انعقاد کنوانسیون های بین المللی می پردازیم. گفتار دوم را به ارتباط اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست اختصاص دادیم. در گفتار سوم نیز به بررسی جایگاه این اصل در حقوق بین الملل محیط زیست می پردازیم.

^۵--محسن عبدالهی، "اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در حقوق بین الملل محیط زیست"، فصلنامه پژوهشی حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹

فصل اول – چيستی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها

گفتار اول - اصل برابری دولت ها و حفظ محیط زیست بین المللی

اصل برابری دولت ها ، برخلاف نابرابری فاحش کشورها از نظر توان اقتصادی ، نظامی ، توسعه و غنای فرهنگی و وسعت به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل تلقی گردیده است. اصل برابری کشورها همواره به عنوان قرینه ای بر اصل حاکمیت دولت ها در حقوق بین الملل پذیرفته شده است.^۶ به واقع حاکمیت به عنوان قدرت برتر فرماندهی و یا امکان اعمال اراده ی فوق اراده های دیگر است که در حقوق بین الملل به عنوان قدرت عالی و تام کشور در وضع قوانین در داخل مرز ها جلوه کرده است.^۷

همین قدرت عالی و تام کشور در وضع قوانین در داخل مرز های یک کشور است که غیر قابل خدشه است و در کنار سایر عناصر تشکیل یک کشور در حقوق بین الملل قرار گرفته است.

زمانی که جمعیت، سرزمین، دولت و حاکمیت در کنار هم قرار می گیرد کشور تشکیل می گیرد و این کشور هر چند جدید و کوچک به سان سایر کشورها حق اعمال اقتدار و حاکمیت دارد. در سایه همین حاکمیت است که اصل برابری دولت ها معنا پیدا می کند.

سوالی که در این جا پیش می آید این است که آیا برابری حقوقی کشورها به معنای برابری آن ها در حقوق نیز بوده است ؟ و آیا برابری حقوقی کشورها در تقابل با مقتضیات جامعه بین الملل نیست؟

برای پاسخ به این سوال باید توجه داشت که هرچند کشورها در داخل مرزهای خود دارای اقتدارات عالی هستند و برخوردار از ابزارهای اجرایی کافی هستند. اما این اقتدارات عالی در جامعه بین الملل رنگی متفاوت به خود می گیرد. علت آن را شاید بتوان در ناهمگونی ناگزیر جامعه بین الملل جستجو کرد و البته همواره باید این نکته را در نظر آورد که در جامعه بین المللی واضع و موضوع یکی است و این فقد اقتدارات عالی که واضع و موضوع را در یک سو قرار می دهد، مهم ترین عامل تعیین کننده در جامعه بین المللی است. نباید از خاطر برد زمانی که اقتدارات عالی وجود ندارد، دولت ها با هم برابر هستند (اصل برابری حقوق) اما در این میان کسانی که قدرت بیشتری دارند، حق بیشتری به دست می آورند (نابرابری در حقوق) و بدین ترتیب کشورها با توجه به توانایی های متفاوت ، سهم متفاوتی را در نظام حقوق بین الملل به دست می آوردند.

از این رو بسیاری معتقد هستند اصل برابری کشورها در جدال سخت تاریخ حقوق بین الملل بیشتر از آن که رعایت شود نقض شده است.

پروفسور رابر تاکو در این باره می گوید :

^۶-ماده ۲ منشور ملل متحد : سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در ماده ۱ بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد : ۱-سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن قرار دارد .

^۷-قاضی ابولضل ، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی* ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ، ۱۳۷۰ ، ص ۱۸۷

" نه تنها علت نابرابری های طبیعی بین دولت ها به لحاظ گستردگی قلمرو ، جمعیت ، منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی ایشان می توان دانست، بلکه این امر نتیجه عدم توازن آن ها در توسعه می باشد. این موضوع نه تنها باعث نابرابری خلق شده است، بلکه ورود در عصر تمدن و صنعت و ناموزون بودن پیشرفت در این زمینه ها در ایجاد نابرابری در ثروت و قدرت تاثیر به سزایی دارد."^۸

چرا که نا متوازن بودن در صحنه بین الملل تاثیر خود را خواهد داشت و لاجرم جنگ محصول این عدم توازن در صحنه بین المللی خواهد بود. به عنوان نمونه، زمانی که جامعه ملل تشکیل شد، این عدم توازن نادیده گرفته شد. بنابراین جامعه ملل شبیه اتحادیه ای از کشورها بود که این کشورها همه به یکسان دارای حق و تو بودند و می توانستند هر وقت که بخواهند از جامعه ملل خارج شدند.^۹

اما این برابری حقوقی در عمل اما شبیه یک ایده آل می نمود و نتوانست وعده های شیرین دموکراسی را فراهم نماید. به زودی روشن گردید که قدرت های بزرگ از قبیل فرانسه، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، ایالات متحده امریکا تمایل دارند تا نظامی مبتنی بر وضعیت برتر برای خودشان در جامعه ملل دست و پا نمایند.^{۱۰}

در واقع جنگ جهانی، اصطکاک نظامی میان دو دسته محسوب می شد که یکی سعی در حفظ وضع موجود به نفع خود می کرد و دسته ای که می خواست "وضع موجود" را در هم بشکند و سهم زیادتری از غنائم جهان را به دست آورد و این مهم ترین دلیل بر رقم خوردن مهر پایان جامعه ملل و سر آغاز دوران جدیدی در جامعه بین المللی بود. در واقع تصور بر این بود که برابری حقوق نه تنها از لحاظ جنبه تئوری قضیه نامعقول است بلکه اساساً و تماماً در تضاد با مفهوم جامعه ملل نیز می باشد.^{۱۱}

آن چه قدرت های بزرگ به دنبال آن بودند به واقع حمایت جدی وابسته فزاینده از قدرت های بزرگ بود. پایان دو جنگ جهانی و رویارویی با اثرات ویرانگر آن به واقع سرآغازی در تعدیل اصل برابری بود. در این دوره آن چه بیش از پیش اهمیت داشت نه وفاداری به اصول و آرمان ها که جلوگیری از شروع جنگی دوباره بود. از این روی، حفظ صلح و امنیت بین المللی در نگارش منشور اهمیت صد چندان گرفت و کشورها توافق کردند تا قدرت های برتر با داشتن حقوقی بیشتر، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی را داشته باشد. چرا که جنگ های پیشین حاصل عدم توافق قدرت های بزرگ در برخورداری از قدرت بوده است. در این میان مجمع عمومی تحت پرچم برابری حقوقی اما غیر موثر دولت ها محل مشارکت کلیه دول عضو سازمان ملل بوده است و شورای امنیت با بن مایه نابرابری موثر حقوقی سعی در حفظ صلح و امنیت بین المللی داشته است. به این ترتیب باید

^۸ -افشین یوسفی، "اصل برابری کشورها در روابط بین الدول و سازمان های بین المللی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۲

^۹ - کلیبار کلود آلبر، *سازمان های بین المللی*، ترجمه و تحقیق از هدایت الله فلسفی (نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱، ج ۲)، ص ۷۴

^{۱۰} - افشین یوسفی، پیشین، ص ۷۴

^{۱۱} - همان، ص ۷۴

گفت هرچند اصل برابری کشورها در تئوری مورد تایید حقوق بین الملل می باشد ولی عملاً اصل مزبور مورد رعایت و احترام لازم واقع نشده است. چرا که دولت های بزرگ و کشورهای جهان سوم در سازمان ملل و به واسطه نابرابری های عملی موجود و منافع متعارض، یکی با حربه قدرت و ثروت و دیگری با ابزار اکثریت عددی به صف آراییی در مقابل یکدیگر پرداختند. هر چند روند سلسله مراتب قدرت در جهان هنوز کم وپیش وجود خود را حفظ کرده است ولی در نهایت همگی دولت ها اعم از خرد وکلان وقوی وضعیف این واقعیت را درک نموده اند که همزیستی و تشریک مساعی بهترین راه ممکن جهت حصول به نتیجه بهتر است.^{۱۲}

سوال مهم این جاست که با توجه به این که امروزه اصل برابری حقوق کشورها علی الرغم تاکید در منشور ملل متحد، مورد تعدیل قرار گرفته است و نیز با توجه بدین مهم که ساختار سازمان ملل مبتنی بر نابرابری حقوقی است و این نابرابری حقوقی مطابق با زیست بین المللی است که منجر به این مهم شده است که برخی از کشورها، حقوق بیشتری در جامعه بین المللی داشته و عملاً تاثیر دو چندان در روند تصمیمات داشته باشد، آیا باز هم می توان گفت تمام کشورها دارای مسئولیت یکسانی هستند؟

باید گفت پاسخ به این پرسش در حوزه های مختلف حقوق بین الملل متفاوت است. چرا که چنان چه ذکر آن رفت کشورها دارای توان نظامی، قدرت اقتصادی، جمعیت متفاوتی هستند. کشورها در توسعه یافتگی نیز متفاوت هستند در نتیجه سهم متفاوتی در تحولات جامعه بین المللی ایفا می کنند. با ذکر این مقدمه، دامنه سوال خود را اندکی مضیق کرده و به حوزه اصلی خود، محیط زیست، باز می گردیم و سوال خود را به این صورت مطرح می کنیم:

آیا کشورها در حوزه ی محیط زیست دارای تعهدات یکسانی هستند؟ آیا الگوی سنتی مسئولیت دولتها قادر به پاسخگویی و حل بحران محیط زیست است؟ در واقع آیا تمام کشورها باید تلاشی یکسان برای جلوگیری از تخریب محیط زیست داشته باشد؟

یا در این میان باید با توجه به توان اقتصادی، نظامی دولت ها دست به تفکیک زد و وارد وادی جدیدی از حوزه مسئولیت شد؟

برای پاسخ به این سوال باید درنگی تاریخی در تفاوت میان کشورهای شمال و جنوب کرد.

^{۱۲} - همان، ص ۱۷۵

الف-تأثیر متفاوت کشورهای شمال و جنوب در آلودگی محیط زیست بین المللی

امروزه تقسیم بندی جدیدی از جهان که کاربرد فراوان و شایعی پیدا کرده است، تقسیم جهان به دو قطب شمال و جنوب است و دیگر از تقسیم بندی شرق و غرب خبری نیست و این تقسیم بندی اکنون به تاریخ پیوسته است. در این تقسیم بندی مراد از شمال، کشورهای صنعتی و پیشرفته ای است که اکثریت آن ها در نیمکره شمالی واقع اند و به همین قیاس کشورهای جنوب به کشورهای در حال توسعه ای اطلاق می شود که غالباً در مقابل جغرافیایی کشورهای شمال قرار دارند. بر اساس آخرین آمارهای موجود ۴/۹ میلیارد نفر (۸۰/۳ درصد) از مردم جهان در مناطق در حال توسعه زندگی می کنند و حال آن که سهم کشورهای توسعه یافته از کل جمعیت جهان ۱/۲ میلیارد نفر است. کشورهای در حال توسعه را که بیش از $\frac{2}{3}$ سطح مسکونی کره زمین را در اختیار دارند، غالباً جهان سوم می نامند که به این ها جنوب نیز خطاب می شود. این کشورها که به طور عمده از مواهب سعادت و پیشرفت، بی بهره مانده اند در حاشیه کشورهای توسعه یافته شمالی واقع شده اند. در حالیکه اکثر کشورهای شمالی مرفه و متمول اند، مردم کشورهای جنوب در فقر زندگی می کنند. حال آن که اقتصاد کشورهای شمال مستحکم و قوی است، اقتصاد کشورهای جنوب ضعیف و لرزان است. در همین حال کشورهای شمالی در مجموع بر مقدرات خود حاکم اند، کشورهای جنوب در مقابل عوامل خارجی آسیب پذیرند و حاکمیت و قدرت ملی موثری ندارد.^{۱۳}

با سقوط بلوک شرق و ذوب شدن یخهای جنگ سرد، چرخش اساسی در محور قدرت جهانی صورت گرفته است. تقسیم معنی دارتر امروزه جهان به ویژه از نظر مسائل زیست محیطی نه به شرق و غرب که به شمال (اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن) و جنوب (بیشتر مناطق آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین) بوده است.^{۱۴}

اگر همه ی مردم دنیا را به کشوری واحد تشبیه نماییم مشاهده می کنیم که میان شمال و جنوب این کشور فرضی، اختلافات فاحشی وجود دارد. در حالیکه شمال در آسایش، رفاه و در یک جامعه برخوردار به سر می برند، جنوب بی نصیب از مواهب زندگی است. این وضعیت به این امر منجر می شود که چنین کشور فرضی ای دائماً در بحران و نزاع به سر می برد و بالمآل اوضاع این جامعه واحد، رو به وخامت می گراید. حال با خروج از این فرض، واقعیت آن است که عملاً کشورها به شمال و جنوب تقسیم شده اند و مشکلات و بحران ها در ابعاد گوناگون گریبانگیر کشورهای جنوب است که در صورت تداوم و نیافتن چاره ای برای آن از جهت کاهش شکاف

^{۱۳} - ژولیوس نایرره، "چالش جنوب"، گزارش کمیسیون جنوب، مترجم ابراهیم خلیلی، (نشر قومنس، تهران، ۱۳۷۶) ص ۱۲

^{۱۴} - فیلیپ المرودیت، "اجلاس سران زمین"، مترجم خسرو کامکار، فصلنامه محیط زیست، "بی نا"، ۱۳۷۱، ج چهارم، شماره دوم، صص ۳۳-۳۴

میان شمال و جنوب ، این مصائب و معضلات متوجه شمال نیز خواهد شد .یکی از موضوعات متأثر از نابرابری رو به افزایش شمال و جنوب ، موضوع محیط زیست می باشد . پدیده ای که بازتاب جهانی دارد و بر ضرورت وجود همکاری های جهانی تاکید دارد . نگرانیهای شدید فعلی از اوضاع محیط زیست ، ارتباط شدید و متقابل دولت ها و ملت ها را می طلبد . تاثیر آلودگی محیط زیست چیزی نیست که در چارچوب مرز های ملی باقی بماند . نازک شدن لایه اوزن ، تاثیر گازهای گلخانه ای ، آلودگی دریاها ، تشعشعات اتمی پدیده های جهانی اند . این مسائل اکثراً از الگوهای رشد و مصرف حاکم در شمال ناشی می شود ولی جنوب را از تبعات آن گریزی نیست . علاوه بر این شرایط زیستی ، جنوب همواره به دلیل اقدامات مستقیم شمال هم چون دفن زباله های خطرناک و جابه جایی صنایع آلوده کننده رو به وخامت دارد . این موارد ، روند انهدام محیط زیست جنوب ، هم چون از بین رفتن منابع آبی و خاکی ، آلودگی هوا و اوضاع نابسمان شهری را تشدید خواهد کرد .^{۱۵}

امروزه تنش و اختلاف میان کشورهای شمال و جنوب حول پرسش هایی از این قبیل می چرخد چه کسی باعث بالا رفتن دمای زمین می شود ، چه کسی اقیانوس ها را مسموم می کند و یا جنگلها از آن کیست ؟ چه کسی به گونه های حیوانی و گیاهی نیازمند است ، مثلاً در مورد انتشار دی اکسید کربن باید بگوییم که چیزی که جان برخی از کشورهای در حال توسعه به ویژه برزیل را به لب رسانده است ، این است که بسیاری از آن هایی که از گرم شدن کره زمین نگران هستند ، انگشت بر دی اکسید کربنی می گذارند که از آتش زدن جنگل های بارانی در هوا منتشر می شود و در حالیکه گاز دی اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه ای حاصل از سوزاندن سوخته های فسیلی در کشورهای صنعتی آلودگی بیشتری ایجاد می کند .

به شهادت شاخص های سرانه ، دی اکسید کربنی که یک نفر شمالی با مصرف انرژی ایجاد می کند نزدیک به ۱۰ برابر مقداری است که همتای جنوبی اش به وجود می آورد . مشکل در بلند مدت این است که مردم کشورهای در حال توسعه نیز در پی همان مواد مصرفی هستند که زندگی را در جهان صنعتی چنین آلوده ساخته و هزینه های زیست محیطی به بار آورده است . اگر شاخص سرانه انتشار گازهای گلخانه در چین و هند به سطح کشورهای مثل فرانسه برسد ، شاخص انتشار جهانی نزدیک به ۷۰ درصد جهش خواهد کرد که بد از بدتر خواهد شد.^{۱۶}

اختلاف دیگر میان کشورهای شمال و جنوب در زمینه جنگل است . بارزترین اختلاف میان شمال و جنوب بعد از اختلاف سطح مالی شان در نظری است که نسبت به نحوه برخورد با جنگل های دیگر جهان دارند و در راس این مجادله جنگل های بارانی مناطق گرمسیری قرار دارد که نگاه هر یک از طرفین به آن ها اساساً با

^{۱۵} ژولپوس نایرره ، پیشین ، ص ۱۸
^{۱۶} فیلیپ المرودیت ، پیشین ، صص ۳۶-۳۸

دیگری متفاوت است. کشورهای صنعتی آن را گنجینه ای سربرشته از تنوع زیستی می دانند که گازهای گلخانه ای را از بین می برند و CO₂ را جذب می کنند و بدین ترتیب به کنترل گرمای زمین کمک می کند. کشورهای در حال توسعه به این جنگلها مانند منابع آماده بهره برداری می نگرند: بالقوه زمین قابل کشت اند، یک منبع سوخت رایگان، انباری از انواع بدیع چوب که در کشورهای شمال پول خوبی برای آن می پردازند.^{۱۷} در کنفرانسی که در کوآلامپور تشکیل شد، مهاذیر محمد می گوید:

"اگر به نظر کشورهای صنعتی، جنگل های بارانی به لحاظ تنوع زیستی و جذب CO₂ این قدر مهم است، چرا این دسته کشورها که بیشترین دی اکسید کربن را ایجاد می کنند، هزینه حفاظت از این جنگل ها را تقبل نمی کنند که در عوض برای کشورهای فقیر به خاطر بهره برداری از یکی از محدود منابع طبیعی شان، شاخه و شانه نکشند"

موضوعات اختلافی میان شمال و جنوب فقط موارد فوق الذکر نیست، چون کشورهای جنوب معتقدند که الگوی سیری ناپذیر تولید و مصرف کشورهای شمال مسبب اصلی صدمات وارده به محیط زیست است چرا که آن ها عادت کرده اند سهم نامتوازی از منابع طبیعی را در اختیار داشته باشند و سبب به وجود آمدن بخش عمده ای از آلودگی جهانی شوند در حالیکه روی همین کره زمین، کشورهای جنوب در اوضاع نابسمان اقتصادی قرار دارند و معتقدند چگونه می توان به سلامت زیست محیطی امیدوار بود در حالیکه اختلاف فاحشی میان شمال و جنوب کره زمین وجود دارد.

کشورهای جنوب معتقدند که مشکلات زیست محیطی آن ها عمدتاً از عدم توسعه آن ها نشات می گیرد و با در نظر گرفتن انبوه مشکلات اقتصادی و فنی، توانایی آن ها برای پرداختن به وضعیت اسفناک زیست محیطی محدود می باشد و استفاده از فن آوری های نوین و همساز با محیط زیست در حد بسیار زیادی مشکلات محیط زیست را رفع می کند. معذک کشورهای مزبور بنا به دلایل مذکور نه قدرت خرید و انتقال فناوری جدید را دارند و نه این که مشکلات مزبور به آن ها مجال چندانی نمی دهد که به پروژه های زیست محیطی رسیدگی نمایند، به عبارتی گویاتر کسی که در فکر برآوردن نیازهای اولیه خویش از قبیل خوراک و پوشاک می باشد، تاکید بر حفظ محیط زیست و سخن سرایی در این باب برایشان نامفهوم و غریب می باشد.

آنان معتقدند که نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در جهانی واحد یقیناً به سلامت محیط لطمه وارد می کند. به اعتبار همین گفته هاست که کشورهای در حال توسعه برآنند که مشارکت موثر آن ها در امر حفاظت محیط زیست موکول به انتقال تکنولوژی نوین و هم خوان با محیط زیست شود و کمک های مالی کشورهای پیشرفته و نیز حتی موسسات مالی بین المللی از طریق پرداخت وام با بهره کم یا بدون بهره و وام های بلاعوض

^{۱۷} - همان، صص ۳۶-۳۸